

**محرومیت‌های اقتصادی در اعتراضات مردمی تا چه میزان موثر است؟**

اینکه جنبشی اتفاق افتاده یا خیر، اولین مسئله‌ای است که باید بررسی شود. اکنون تلقی عموم این است که مردم نارضایتی اقتصادی داشتند و تجمع اعتراض‌آمیز کردند و بعداً هم عده دیگری آمدند و منویات ضدنظام خود را ابراز کردند و اقدام خشن انجام دادند. تلقی دیگری هم وجود دارد، اینکه اعتراضات اقتصادی اشکالی ندارد و برحق است، ولی اغتشاشاتی که با شعار علیه نظام بود، بدوباطل است. در همین راستا عده‌ای هم نگران شدند که مبادا آن مطالبات برحق فراموش شود و شورای شهر مشهد و تهران هم درصدد این برآمدند که جایی برای تجمعات قانونی فراهم کنند. نکته اول، این است که فقر مطلق همیشه به‌میزانی مشهدوجودداشته‌است. فقر مطلق یعنی برخی افراد حداقل درآمد را برای تهیه ملزومات اولیه مانند غذا، سرپناه و حفظ سلامت خود نداشته باشند. وقتی می‌گوییم فقر مطلق وجود دارد، به این معنی نیست که مردم متوجه آن نشوند؛ همه ما تاحدی با کسانی که دچار فقر مطلق هستند، آشناسیم و آدم‌هایی را که به نان محتاج‌اند، دیده یا در باره‌شان شنیده‌ایم. فقر مطلق همیشه بوده، اما مقدار آن متفاوت بوده‌است. فقر نسبی هم‌یعنی مردم خود را در مقایسه با دیگران محروم حس کنند. هر قدر فقربنندی اقتصادی در جامعه بازز و فاصله طبقاتی پزرتنگ و نمایش‌داریی بیشتر شود، فقر نسبی بیشتر می‌شود. فقر نسبی در تمام دوره‌ها بوده و خواهد بود. من فکر نمی‌کنم این مشکلات مسائل جدیدی باشد. به‌علاوه آدم‌ها هر ماه و هرسال برای این مسائل تجمع و تظاهرات نمی‌کردند و فکر نمی‌کنم سال‌های آینده نیز چنین اتفاقی بیفتد.

**پس معتقدید تجمع اعتراضی مردم به خاطر مشکلات اقتصادی نبوده‌است؟!**

سال‌هاست می‌بینیم خیلی‌ها اعتراضاتی دارند و از بیان آن در اتوبوس و تاکسی بیم‌ندارند. اما این‌گونه نیست که در مناطق محروم یا سایر نقاط شهر هر روز شلوغی به‌وجود بیاید. از اواخر دهه ۴۰ شمسی، حکومت در ایران، کاری کرده‌است که هرکس متناسب‌با دارایی خود در مناطق متفاوتی زندگی کند. مشهد قبلاً محلاتی داشته که همه با درآمدهای مختلف در محله‌شان زندگی می‌کردند؛ اصلاً این‌طور نبوده که کسی به‌واسطه افزایش درآمدی‌تربیع شغلی، محله خود را تغییر دهد. اما از اواخر دهه ۴۰ شمسی، حکومت تصمیم گرفت محله‌های فقربنندی‌شده را به وجودبیاورد. اول سعدآبادرا ساخت‌وبعدهم‌کوی‌دکترآرشداد و بعد محله‌های غربی‌تر را. این فرآیند با برنامه‌ریزی قبلی درپهلوی‌دوم‌شروع شد و به‌عنوان مثال قاضی‌ها در یک محله و دکترها در محله دیگری جای گرفتند، درحالی‌که قبلاً این‌گونه نبود. حال وضعیت شهر ما جورى شده‌ه‌ه‌وقتی‌فردی، نشانی محل زندگی خود را می‌گوید، تاحد زیادی وضعیت اقتصادی‌ومعیشی‌اومشخص‌می‌شود.

**اساساً برای به‌وجود آمدن تجمع چه شاخص‌هایی لازم‌است؟**

تا زمانی‌که چهار شاخص موضوع مشترک، ذهنیت مشترک، راه ارتباطی برای برقراری دیالوگ میان کسانی که نارضایتی دارند و فردی هم به‌عنوان پیشاهنگ وجود نداشته باشد که حرف اول را بزند و احساس موفقیت از اعتراض جمعی را به افراد تلقین نکند، تجمع اعتراضی شکل نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال چند سال پیش، خواننده جوانی به نام «مرتضی پاشایی» فوت کرد. آدم‌ها در موضوع عزاداری برای او اشتراک‌نظر داشتند. افرادی پیشنهاد تجمع عزادارانه دادند و راه‌های ارتباطی برای اطلاع از این فراخوان فراهم بود. مردم هم از شرکت در این تجمع احساس خطر نمی‌کردند و این تجمع برگزار شد و رفتار جمعی این‌گونه صورت گرفت.

**از نظر شما خلأ نهاد‌های مدنی و تشکل‌ها برای برگزاری این تجمع‌ها احساس نمی‌شود؟**

رفتار جمعی به‌شکلی که بیان‌شد، به‌وجودمی‌آید. این وسط ممکن‌است عده‌ای حزب‌وتشکل داشته‌باشند، اما احزاب در ایران نمی‌توانند تجمع برگزار کنند، چون به‌اندازه کافی نیرو ندارند. احزاب نمی‌توانند ادعا کنند که اعضای‌مان را دعوت می‌کنیم و از نقطه مشخصی به نقطه مشخصی می‌رویم و با شعارهای مشخصی که برگرفته از مرام‌نامه‌ماست، راهپیمایی می‌کنیم. هیچ تشکلی در ایران چنین توانایی‌ای ندارد و نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. احزاب از عواقب برگزاری تجمع می‌ترسند؛ زیرا اگر ۵۰ نفر غیر از اعضای‌خودشان آمدند و شمار دیگری دادند، برای آن‌ها هزینه ایجاد می‌شود. فعالان حزبی‌ما توانایی کنترل این رفتارهای جمعی را ندارند. البته برخی سیستم‌های حکومتی مثل ستاد تبلیغات، روزهای‌را برای تجمعات ملی‌ومذهبی‌اعلام‌می‌کنند و این دستگاه‌ها توانایی لازم برای مدیریت آغاز و اتمام تجمع و کنترل شعارها را دارند. بنابراین می‌توان گفت برگزاری تجمع همیشه ممکن‌است، به‌شرطی‌که شرایط آن فراهم شود. شما که خبرنگاری‌بگویید چگونه آن عوامل چهارگانه برای اعتراض به امور اقتصادی در آن پنجشنبه معروف در مشهد رخ داده‌است؟ اینکه آدم‌هایی ناراضی و گرسنه‌اند، همیشه وجود داشته‌است.

**عده‌ای معتقدند حرکت مردم به‌صورت خودجوش انجام گرفته‌است.**

باید یک نفر به‌عنوان پیشاهنگ این موضوع را مطرح کند و اطلاع داشته باشد که بعضی از آدم‌ها در این موضع مشترک هستند، مثل مال‌باختگان، فقرا، و کسانی که فکر می‌کنند حقوقشان ضایع شده‌است. در هر کوچه و خیابانی که این شرایط برقرار باشد و

**خاکپور - سلطانی** - روز پنجشنبه هفتم دی‌ماه، مشهد، شاهد تجمعی اعتراضی بود که بعد از آن به دیگر نقاط کشور نیز سرایت کرد. برخی از مردم در اعتراض به وضعیت اقتصادی در میدان آزادی آمدند و اولین قطعه از دومینوی اعتراض‌ها را به زمین انداختند، اعتراض‌هایی که حدود یک‌هفته طول

آن چهار عامل را داشته باشد، تجمع رخ می‌دهد. اصلاً کلمه خودجوش معنی ندارد. اگر منظور از خودجوش، این است که حکومت نگفته‌است، بله، حکومت نگفته‌است. اما خودجوش به این معنا نیست که روز پنجشنبه رهگذران به‌صورت اتفاقی و

**آن‌ها جوانان ناراضی و کسانی بودند که به‌صورت هیجانی به اجتماع پیوستند. این مسئله هم‌روشن‌است که عده‌ای ضدانقلاب در جامعه حضور دارند؛ زیر انقلاب اسلامی مغلوبانی داشته که تمام آن‌ها از ایران نرفته‌اند**

بدون برنامه‌ریزی قبلی شروع به سردادن شعارهای مختلف کردند. اگر خودجوش را به این معنا تفسیر کنیم، چنین چیزی رخ نداده‌است. اگر تجمع‌ها این‌گونه به‌وجود بیایند، اهالی رسانه باید ماهانه حداقل پنج‌مورد از این تجمع‌ها را گزارش می‌کردند. در حالی‌که حتی سالانه یکی از این تجمعات رخ نمی‌دهد. موج هیجان‌ات نو جوانی است که به این قضیه دامن زد. اگر ادامه پیدا می‌کرد، میلیونی هم می‌شد. رفتار جمعی بر هیجان استوار است و اغلب آدم‌ها برای تماشا می‌آیند و چه‌بسا شعاری هم‌بدهند.

**گفته می‌شود تعداد زیادی از دستگیر شدگان تجمعات، نوجوان‌ها و جوانان هستند. متولدان دهه ۷۰ و ۸۰ در انتخابات اخیر هم نقش‌آفرینی پررنگی داشتند. تحلیل‌تان درباره میل به مشارکت سیاسی در این فشر چیست؟**
نوجوانی، مقطعی سنی است که در هر جای عالم و در هر جای تاریخ، یک روان‌شناسی مشخصی دارد. ویژگی‌هایی نظیر جست‌وجوگری، هیجانی‌بودن و تلاش برای پیدا کردن مسیر و به‌دست آوردن تجربیات جدید، خاصیت این مقطع سنی است. خاصیت رفتاری این گروه سنی است. انقلاب اسلامی نیز آدم‌های زیر ۳۰سال اکثریت انقلابیون و شهدا را تشکیل می‌دادند. لذا هر جا فضایی برای ابراز احساسات فراهم شود، طبیعی است که نوجوانان و جوانان اکثریت حاضران را تشکیل می‌دهند.

**از نظر شما تجمع اخیر، فراقشری بود یا افراد و گروه‌های مشخصی در آن حضور داشتند؟**
بررسی این قضیه که آیا کسانی که به میدان آمدند، درگیر فقر مطلق بودند یا نه، مسئله‌ای حاشیه‌ای است. آن‌ها جوانان ناراضی و کسانی بودند که به‌صورت هیجانی به اجتماع پیوستند. این مسئله هم‌روشن‌است که عده‌ای ضدانقلاب در جامعه حضور دارند؛ زیرا انقلاب اسلامی مغلوبانی داشته

## گفت‌وگو



**گفت‌وگو با دکتر غلامرضا صدیق اورعی درباره تجمع‌های اعتراضی هفتم دی در مشهد**

# کاهش تنش با شفافیت و آموزش

■ از اواخر دهه ۴۰ شمسی حکومت در ایران کاری کرده‌است که سکونتگاه‌های شهری طبقاتی شده و مفهوم محله از بین رفته‌است

■ تا زمانی‌که چهار شاخص موضوع مشترک، ذهنیت مشترک، راه ارتباطی برای برقراری دیالوگ میان افراد ناراضی و فردی به‌عنوان پیشاهنگ معترضان وجود نداشته باشد،

تجمع اعتراضی شکل نمی‌گیرد

■ احزاب در ایران نمی‌توانند تجمع برگزار و ادعا کنند که می‌توانند با شعارهایی مشخص تظاهراتی را مدیریت کنند، چون به اندازه کافی نیرو ندارند

■ از منظر جامعه‌شناسی، نابرابری پذیرفته‌شده عادلانه‌است. اما اگر برخی از افراد جامعه بپرسند «چرا عده‌ای ثروت دارند و ما نداریم؟» این یعنی وضعیت جامعه ناعادلانه‌است

کشید و در ادامه راه، توسط عده‌ای از مسیر خود خارج و به‌اغتشاش منجر شد.

هنوز تبعات این دومینوی اعتراضی از چهره جامعه‌ما رخت نیسته‌است و فیلترینگ تلگرام، یکی از تبعات این ماجرا هنوز به قوت خود باقی‌است. برای تحلیل و بررسی این ماجرا‌ها سراغ غلامرضا صدیق اورعی

رفتیم. او علاوه بر کسوت روحانیت، جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی‌است. اورعی، نماینده وزیر علوم در هیئت نظارت دانشگاه فردوسی‌است.

همچنین در زمره فعالان با سابقه اصلاح‌طلب مشهدی به شمار می‌آید و بسیاری از فعالان

سیاسی، سرمشق تشکیلاتی خود را از او گرفته‌اند. در روز‌هایی که دانشگاهیان سخت مشغول امتحان‌های پایان‌ترم هستند، در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، مهمان اوشدیم و درباره تجمعات اخیر که از مشهد آغاز شد، با او گفت‌وگو کردیم.

کاهش تراکم نارضایتی‌ها بسیار مؤثر‌است. حکومت نیز با توجه بیشتر به افشار ضعیف، می‌تواند در افزایش سطح رضایت آن‌ها گام‌های مؤثری بردارد. البته تمام این حرف‌ها و برنامه‌ها به‌صورت مکتوب در اسناد و برنامه‌های اجرایی کشور وجود دارد و در صورت اجراء در کاهش غلظت نارضایتی مردم مؤثر خواهد بود.

**مسائل باید شفاف باشد و بارها برای مردم توضیح داده‌شود. اگر کشور ما به‌عضی کشورهای کم‌کم می‌گویی این برای تأمین امنیت کشور است، باید موضوع را بارها به‌صورت شفاف برای مردم توضیح بدهند.**

منظر اجتماعی‌است.) وقتی نابرابری پذیرفته‌شده باشد یعنی عدالت نیست. این جزو باورهای تاریخی مردم‌ماست که دوام جامعه‌با کفر امکان‌پذیر‌است، اما با ظلم باقی نمی‌ماند.

**درباره آینده صحبت کنید؛ آیا باید با افزایش شکاف طبقاتی و حس فقر نسبی منتظر افزایش نارضایتی عمومی باشیم؟**

وقتی یک نفر، ماشینی را برای تردد شهری می‌خرد که خیلی از ساکنان شهر در عمرشان ندیده‌اند یا تا آخر عمر نمی‌توانند سوار آن ماشین شوند، باید این انتظار را داشته باشد که روزی یک نفر به ماشین او ضربه‌ای بزند. نمایش ثروت، پیامدهایی در پی دارد. امروز در شهر ما برج‌هایی ساخته می‌شود که از هر نقطه‌ای دیده می‌شود. این رفتار یعنی مالکان این ساختمان‌ها می‌خواهند دارایی‌شان را به رخ بکشند. قبلاً هم پولدارها از ثروت خود استفاده می‌کردند و خانه‌های بسیار زیبا می‌ساختند، اما از تمام نقاط شهر به چشم نمی‌آمد. ثروتمندان امروز می‌خواهند دارایی‌شان از تمام نقاط شهر به چشم بیاید. وقتی این ثروت‌ها بیشتر به چشم بیایند، انتظار می‌رود که فشار عاطفی مردم‌ها هم‌بیشتر شود. گاهی نابرابری پذیرفته‌شده‌است و گاهی پذیرفته‌نشده‌است. من درباره عدالت بحث فلسفی نمی‌کنم. از منظر جامعه‌شناسی، نابرابری پذیرفته‌شده عادلانه‌است. همین که مردم



علی

پنا

پنا

## ۵

### خبر

## مراسم گرامیداشت شهدای عملیات کربلای ۵ برگزار شد



**سعیده آل‌ابراهیم** - «غربت مستمر» این دو کلمه، شرح حال مردانی است که در زمان جنگ «شیر جبهه، مظلوم شهر» خوانده می‌شدند و امروز هم حال چنان‌است که بود.

اما خودشان در مناسبت‌های خاص، به یاد یاران شهید گرد هم می‌آیند، چنانکه این بار، گرامیداشت یاد شهید جواد دقفان و یاران بهشتی کربلای ۵ آنان را در کنار هم نشانده بود تا با دعوت حمید جهانگیر فیض‌آبادی، طبق برنامه سخن بگویند.



در این محفل نورانی، حمید جهانگیر فیض‌آبادی که روایت «جنون جنون» اش، زبان به زبان می‌چرخد، برادر آرانیان را هم به جایگاه خواند تا از روزگار روایت و روایان بگوید و او نیز به سخن آمد و اول به گلایه از خویش پرداخت؛ «ما نتوانستیم با نسل نو ارتباط برقرار کنیم. برخی، از شهدا افسانه ساختند و آنان را فراتر از تصور نشاندد؛ حال آنکه ما به الگوهای دست‌یافتنی نیاز داریم.»

او به ماجرای ساخت یک حسینیه توسط بچه‌های رزمنده در مشهد اشاره کرد و روحیه تعاون را به تمثیل بیان کرد و گفت:

باید با معرفتی فرهنگ شهادت و فرهنگ ایثار به شهدا و انقلاب و کشور ادای دین کنیم تا شرم‌منده شهدا نباشیم.

او از کمبود راوی زبان‌دان گفت که وقتی مردم دیگر کشورها می‌آیند و تشنه دانستن هستند، نمی‌توانیم با آنان ارتباط برقرار کنیم.

او گفت: حدود ۴۵ درصد کاروانیان راهبان نور هم بدون راوی به این سفر می‌روند که مثل مجلس بدون روحانی و روضه‌خوان، بهره‌ای را که باید، نمی‌گیرند و این هم وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند.



حجت الاسلام والمسلمین ن ظافت نیز به خاطرات خدانشان روز‌های حماسه در چپه‌ای‌اشد و یادآوری و روایت آن روز‌ها را در شمار «ذکر» دانست و گفت: ذکر، آن است که ما را بیدار کند و بر مدار خدا از خویش بیرون آورد و همین دیدارها هم که ما را به ایام حماسه می‌برد، مغنم‌است. این استاد حوزه از شکوه بندگی خدا در جبهه گفت و به تفسیر آیه «من المومنین رجال صدقوا» پرداخت:

شهدان به عهد خویش وفا کردند و اینک مأموریت را به اسم ما نوشته‌اند تا راه را ادامه‌دهیم.

این تخریبچی دفاع مقدس، بازخوانی فرهنگ شهدان را «دنیا‌ساز» دانست و گفت: اگر در پی موفقیت دنیا هم هستیم باید به فرهنگ کار و تلاش و ایثار آنان برگردیم. باید چون آنان، همه خود را وقف خدمت کشور و مخالفان حل‌شود. حجت الاسلام والمسلمین ن ظافت از ضرورت افتاع نسل نو گفت و تأکید کرد: ما درقبال این مسئله تکلیف داریم.

پایان این محفل نیز مثل همیشه، یاد جبهه بود و شهیدان و دوازده‌ای که به عاشورا باز می‌شود. این راه را هم برادر پیرزاد با مداحی‌اشد و یادها را تازه کرد و دل‌ها را بر سفره سیدالشهدا(ع) نشاندد.

عکس: مصمم بهشده/تهران